

# تدابیر کلی پیشگیرانه از خشونت خانگی

Photo: Dean Drobot/bigstockphoto.com

موسی برزین - پژوهشگر حقوقی

بر اساس یک تقسیم‌بندی کلی در حوزه جرم‌شناسی هر انحراف اجتماعی یا هر جرم را می‌توان فرآیندی محسوب کرد که سه مرحله دارد. مرحله اول زمان قبل از وقوع انحراف است. در این مرحله علل و عوامل متعددی که باعث بروز انحراف می‌شود مورد بررسی قرار می‌گیرد. مرحله دوم زمان ارتکاب انحراف اجتماعی یا جرم است که بیشتر نحوه برخورد با انحراف و یا اعمال مجازات مورد توجه این مرحله است و مرحله سوم پس از وقوع انحراف است. در این مرحله آثار انحراف بر جامعه و قربانی بررسی می‌شود و حمایت از قربانی و اصلاح بزه‌دیده بحث و مطالعه می‌شود. از آنجا که خشونت خانگی نیز یک رفتار انحرافی و مضر به جامعه است و دارای یک سیر زمانی است، این تقسیم‌بندی در مورد آن صدق می‌کند. به عبارتی خشونت خانگی را نباید پدیده‌ای آنی دانست که در یک لحظه اتفاق می‌افتد و تمام می‌شود بلکه خشونت خانگی یک فرآیند است که در طول زمان اتفاق می‌افتد. طبیعتاً علل و عواملی که می‌تواند فرهنگی، اقتصادی، روانی و غیره باشد بر وقوع خشونت خانگی تاثیر بگذارد. به دیگر سخن وجود خشونت خانگی در یک جامعه قطعاً به دلیل وجود علل و عوامل متعدد است و از این رو بهترین نوع و روش برخورد با انحرافات اجتماعی و جرایم همچون خشونت خانگی، پیشگیری از آن است.

مرحله اول انحراف اجتماعی یعنی قبل از وقوع، مهمترین مرحله‌ای است که باید به آن توجه شود. نمی‌توان بدون ریشه‌یابی عواملی که باعث خشونت خانگی می‌شوند و پیشگیری از آن، مبارزه‌ای جدی با خشونت خانگی داشت. توجه صرف به برخورد با مرتکب خشونت خانگی یا ترمیم خسارت‌های قربانی به تنهایی نمی‌تواند خشونت خانگی در یک جامعه را به طور معناداری کاهش دهد. به همین دلیل قوانین کشورها و همچنین سیاست‌های پیش‌بینی شده ضروری است تدابیر پیشگیرانه و بازدارنده اعمال کنند. بخشی از این تدابیر ممکن است تدابیر قانونی باشد. به عنوان مثال در قانون مدنی ایران پیش‌بینی شده است که در صورتی که زندگی زوجه در منزل مشترک متضمن «خوف جانی» باشد، زن می‌تواند خانه را ترک کند و این امر او را حقوق مالی محروم نخواهد کرد. این قانون را می‌توان ابزاری قانونی برای پیشگیری خشونت خانگی دانست. اما مهمترین تدابیر پیشگیرانه، تدابیر غیرحقوقی هستند. به این معنا که ضروری است تمامی راه‌هایی که می‌تواند باعث بروز خشونت خانگی شود مسدود شوند و در جامعه شهروندان به صورتی تربیت شوند که خشونت خانگی را زشت بدانند.

در این نوشته به برخی از تدابیر پیشگیرانه در مورد خشونت خانگی اشاره می‌شود.

## آموزش

آموزش از دوران کودکی قطعاً یکی از مهمترین تدابییری است که می‌تواند برای پیشگیری از خشونت خانگی اعمال شود. بسیاری از کسانی که در ایران مرتکب خشونت خانگی می‌شوند اعتقادی به قبیح بودن این مساله ندارند. از طرف دیگر ممکن است قربانی خشونت خانگی نیز اطلاعی از حقوق خود و اینکه چگونه باید با خشونت خانگی برخورد کند ندارد. از این رو ضروری است در سیستم آموزشی کشور واحدهای درسی در رابطه با مهارت‌های کنترل خشم و همچنین نحوه برخورد با خشونت خانگی ارائه شود. افراد از سن کودکی لازم است با حقوق و آزادی‌های خود آشنا شده و همچنین حل و فصل مشکلات از طرق مسالمت‌آمیز و غیر خشن را آموزش ببینند. این در حالی است که در سیستم آموزشی ایران از دوران ابتدایی تا دوران تحصیلات عالی، هیچ‌گونه آموزشی در رابطه با این موضوع وجود ندارد.

## فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌ها

راهکار دیگری که می‌تواند در پیشگیری از خشونت خانگی تاثیرگذار باشد، فرهنگ‌سازی آموزش همگانی شهروندان از طریق رسانه‌های عمومی است. رسانه‌های عمومی می‌توانند با تهیه برنامه‌های صوتی و تصویری شهروندان را در زمینه خشونت خانگی مطلع کنند و در فرهنگ‌سازی تقبیح خشونت خانگی موثر باشند. طبیعتاً سیاست کراهت‌سازی از خشونت خانگی می‌تواند جامعه را نسبت به خشونت خانگی حساس کند و فرصت اعمال خشونت را محدود نماید. با این وجود در رادیو و تلویزیون ایران که به طور کامل در اختیار دولت است، هیچ‌گونه سیاستی برای کراهت‌سازی از خشونت خانگی وجود ندارد. عدم توجه دولت به فرهنگ‌سازی صحیح در باب خشونت خانگی در کنار بافت سنتی و مذهبی در ایران، سبب شده است مصادیق زیادی از خشونت خانگی امری عادی تلقی شده و در برخی نقاط خشونت نشانه‌ای از درستی و غیرت و مردانگی باشد و حتی قربانیان نیز آن را خشونت تلقی نکنند. طبیعتاً وجود چنین باورهایی بستر

مناسبی برای بروز خشونت خانگی خواهند بود. از این رو قطعا رسانه‌های دولتی موظف به اصلاح چنین باورهایی هستند.

## تأسیس خانه‌های امن

وجود پناهگاه‌هایی که قربانیان ناتوان خشونت خانگی بتوانند در آنجا به صورت موقت سکونت کنند، از طرفی نوعی حمایت از قربانیان است و از طرف دیگر به نوعی تدبیر پیش‌گیری‌کننده از تکرار خشونت خانگی می‌باشد. شخصی که مورد خشونت خانگی قرار گرفته است و احتمال تکرار این خشونت وجود دارد، لازم است به محلی دیگر دسترسی داشته باشد تا مجبور به تحمل خشونت نباشد چرا که ادامه زندگی در آن محل وی را بیش از پیش در معرض خشونت خانگی قرار می‌دهد و امکان دارد با ادامه خشونت زندگی وی به صورت جدی به خطر بیفتد. در مواردی که قربانی مکانی برای زندگی دور از خشونت ندارد، ضروری است مکان‌هایی وجود داشته باشند که قربانی به آنها مراجعه کند. این گونه مکان‌ها با نام‌های مختلفی از جمله خانه امن، خانه زنان، پناهگاه و ... شناخته می‌شوند.

در بسیاری از کشورها این گونه مکان‌ها از طرف دولت‌ها و یا نهادهای غیر دولتی تأسیس شده و به مکانی امن برای قربانیان خشونت خانگی تبدیل شده‌اند. این مکان‌ها باید از هر جهت امن و استاندارد بوده و از بودجه و پرسنل مناسب برخوردار باشند. همچنین باید امکاناتی از قبیل برنامه‌های ویژه ترک اعتیاد و خدمات مشاوره‌ای در اختیار قربانیان خشونت خانگی به ویژه زنان قرار دهد. برای یافتن محل سکونت دائمی‌تر و حتی توانمندسازی و کارایی نیز می‌بایست برای زنان مساعدت‌هایی در نظر گرفته شود. وجود چنین موسساتی باعث خواهد شد که زنان و کودکان قربانی خشونت خانگی مجبور به تحمل شرایط مشقت‌بار و خشونت نباشند. تجربه نشان داده است که تکرار خشونت خانگی در برخی موارد به دلیل این است که قربانی محلی برای سکونت ندارد و مجبور است با خشونت کنار بیاید و آن را تحمل کند.

## خدمات تأمین اجتماعی به زنان فاقد درآمد

یکی دیگر از عواملی که در ایران سبب بروز خشونت خانگی علیه زن می‌شود، نبود استقلال مالی و درآمد زن است. این امر باعث شده است که زنان برای امر معاش و گذران زندگی محتاج به شوهران خود باشند و در صورت بروز خشونت از طرف شوهر مجبور به تحمل آن باشند. چنانچه زنی شغلی داشته و درآمد مستقلی داشته باشد قطعا امکان مستقل شدن و ترک خانه وجود دارد اما زنان دار توان مالی برای برقراری زندگی مستقل را نخواهند داشت. از این رو بهتر است تدابیری پیشگیری شود که زنان خانه دار و فاقد درآمد از حقوق ماهیانه برخوردار شوند.

## فراهم کردن امکان تحقیقات

طبیعی است بدون بررسی و ریشه‌یابی عوامل خشونت خانگی نمی‌توان سیاست‌های پیشگیرانه نسبت به آن اعمال نمود. این مهم صرفا با ایجاد شرایط و امکانات لازم در جهت انجام پژوهش‌های تخصصی در این مورد امکان‌پذیر است. ضروری است تدابیری پیش‌بینی شود تا متخصصان امر به راحتی بتوانند به داده‌ها و اطلاعاتی که مورد نیاز است دسترسی داشته باشند. متأسفانه در ایران هر چند تحقیقاتی در این مورد انجام شده است لکن شرایط لازم برای انجام پژوهش در مورد خشونت خانگی فراهم نیست. قوه قضائیه معمولا اجازه دسترسی به پرونده‌ها را به محققان نمی‌دهد. سازمان‌ها هم وظیفه‌ای قانونی برای همکاری با محققان ندارند. از این رو ضروری است قوانینی تصویب شود که ارگان‌های دولتی را موظف به همکاری با محققان نماید.